

گستره‌ی تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب بر مصداق‌شناسی «امانت» در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...»

حمید نادری قهفرخی^{*۱}

چکیده

مفسران مصادیق زیادی را برای «امانت» در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» ذکر کرده‌اند. با توجه به قرار گرفتن این آیه در سوره‌ی احزاب این سوال مطرح می‌شود که سیاق این سوره به چه میزان در تعیین این مصادیق موثر بوده است؟ «موثر بودن سیاق در رساندن مراد خداوند»، «بهره‌گیری از آیه‌ی امانت در علوم مختلف مانند عرفان و انسان‌شناسی» و غیره به‌خوبی ضرورت بررسی این مسأله را ثابت می‌کند. بررسی تحلیلی-انتقادی آثار مفسران و محققان نشان می‌دهد همه‌ی مصادیق بدون توجه به سیاق آیات سوره‌ی احزاب، به‌وسیله‌ی تمرکز بر مواردی مثل «قابلیت‌های انسان»، «رابطه‌ی بین آیه‌ی امانت و آیات قبل و بعد آن» و غیره استخراج شده‌اند. این در حالی است که بررسی تحلیلی فضا و سیاق کلی سوره‌ی احزاب و آیات نزدیک به آیه‌ی امانت «رهبری پیامبر اکرم(ص)» را به‌عنوان یک دیدگاه قابل توجه مطرح می‌کند. پذیرش این دیدگاه آثاری از قبیل «رعایت سیاق آیات سوره‌ی احزاب در تعیین مصداق»، «ملتزم شدن به روایات»، «رعایت ارتباط بین آیه‌ی امانت و آیات قبل و بعد آن» و غیره را در پی دارد.

کلید واژه‌ها: آیه‌ی امانت، مصداق‌شناسی امانت، رهبری اولیای شایسته‌ی خداوند، سیاق آیات سوره‌ی احزاب، سوره‌ی احزاب در ترتیب نزول.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه شهرکرد.

* نویسنده مسئول: Hamid.naderi@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷

مقدمه

بر اساس آیه‌ی «امانت» در سوره‌ی احزاب خداوند امانتی را به آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه کرد، اما آن‌ها از روی ترس آن را نپذیرفتند، ولی انسان قبول کرد: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب/۷۲) مشخص کردن مصداق «امانت» یکی از نقاط چالشی این آیه است؛ زیرا محققان مصادیق زیادی را برای آن مشخص کرده‌اند (به این مصادیق اشاره خواهد شد).

بدون شک همه‌ی مصادیق ارائه شده دارای شواهدی هستند که در جایی مناسب باید بررسی شوند، اما در مورد همه‌ی آن‌ها جای این سوال هست که آیا قرار داشتن آیه‌ی امانت در سوره‌ی احزاب در تعیین این مصادیق نقشی داشته است؟ به عبارت دیگر آیا فضای کلی این سوره می‌تواند به نحوی بر تعیین مصداق «امانت» موثر باشد؟ به تعبیر گویاتر؛ اگر آیه‌ی امانت در سوره‌ی دیگری مثل اعراف یا انعام قرار داشت، آیا باز هم همین مصادیق تعیین می‌شدند یا اینکه با توجه به فضای کلی سوره مسیر دیگری برای تعیین مصداق در نظر گرفته می‌شد؟ بدیهی است که جواب این سوالات هر چه باشد، آثار و لوازم خاصی هم پدیدار می‌شود. این آیه در غالب تفاسیر قرآن در ضمن آیات سوره‌ی احزاب مورد بررسی قرار گرفته است (به این تفاسیر اشاره خواهد شد). علاوه بر این تحقیقات مستقلی هم پیرامون آن صورت گرفته است (ستوده‌نیا و عادل فر، ۱۳۹۴: ۶۳-۹۰)، اما جز اشاراتی کوتاه در برخی تحقیقات (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۴۰۶-۴۰۸)، در سایر آثار هیچ اشاره‌ای به نقش فضای کلی و سیاق آیات سوره‌ی احزاب در تعیین مصداق امانت نشده است. این در حالی است که «چالشی بودن آیه‌ی امانت»، «تأثیر سیاق آیات و سوره‌های قرآن در ارائه‌ی مفاهیم»، «استفاده از این آیه در علوم مختلف از جمله عرفان و انسان‌شناسی»، «لزوم آشکار کردن همه‌ی ابعاد مراد خداوند از آیات قرآن» و غیره ایجاب می‌کند این آیه از این زاویه با دقت بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی ادله‌ی محققان و مفسران نشان می‌دهد در همه‌ی آن‌ها توجهی به سیاق و فضای کلی سوره احزاب در تعیین مصداق «امانت» در آیه‌ی مذکور نشده و به‌طور کلی رویکرد عملی آنان «عدم تأثیر سیاق آیات سوره احزاب در مصداق‌شناسی امانت» است. این در حالی است که در برابر این رویکرد می‌توان رویکرد «تأثیر سیاق آیات این سوره» را هم مد نظر قرار داد. برای بررسی نقاط مثبت و مبهم هر دو رویکرد در ادامه ابعاد آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی رویکرد عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب در مصداق‌شناسی «امانت»

پیش‌تر اشاره شد که همه‌ی تفاسیر و تحقیقات موجود با وجود استناد آنان به شواهد و قرائنی در مصداق‌شناسی «امانت»، حتی اشاره‌ای به سیاق آیات سوره‌ی احزاب نکرده‌اند. البته در پاره‌ای موارد به سیاق و چینش دو یا چند آیه‌ی پشت سر هم استناد شده، اما به سیاق کل سوره توجهی نشده است. برای بررسی این رویکرد لازم است زمینه‌ها و آثار التزام به آن مورد تحقیق قرار گیرد.

۱-۱. زمینه‌های رویکرد عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب

مهم‌ترین زمینه‌های رویکرد عملی به عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب عبارتند از:

۱-۱-۱. تمرکز بر مفهوم واژه «الامانة»

از نظر لغت‌دانان واژه‌ی «امانت» از ریشه‌ی «أمن» به معنای «اطمینان» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۲/۱۳) و «طمأنیه‌ی نفس و زوال ترس» (راغب، ۱۴۱۲ق: ۹۰) است. بنابراین «امانت» یعنی اطمینان خاطر داشتن به حفظ چیزی نسبت به آفاتی که متوجه آن است. (واعظزاده، ۱۴۲۲ق: ۶۷۷-۶۷۹) از طرف دیگر «امانت» اگرچه در اصل مصدر است، ولی در بسیاری موارد به چیزی که برای نگهداری سپرده می‌شود (مال یا اسرار یا امثال این دو) نیز امانت گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۱/۱۵) این معنای غیرمصدری همراه با معنای «اطمینان خاطر داشتن به حفظ چیزی نسبت به آفات متوجه آن» در کاربردهای قرآنی به‌طور کامل قابل مشاهده است؛ زیرا بر اساس آیات قرآن «امانت باید اداء شود» (بقره/ ۲۸۳) (دوری از آفت تلف یا غصب)، «در امانت‌ها نباید خیانت شود» (انفال/ ۲۷) و «امانت توسط مومنان و نمازگزاران رعایت می‌شود» (مومنون/ ۸ و معارج/ ۳۲) و در نهایت

«امانت‌ها باید به اهل آن‌ها بازگردانده شود». (نساء/۵۸) بر همین اساس تعریف امانت در آیهی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» به شکل ذیل به‌طور کامل مطابق با کاربردهای قرآنی آن است: «امانت - هر چه که باشد - چیزی است که نزد غیر قرار داده می‌شود تا از آن محافظت کند سپس آن را به سپارنده‌ی امانت برگرداند». (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۴۸/۱۶) در این تعریف روی سه قید تأکید شده است: «نزد غیر بودن امانت»، «محافظت کردن از آن» و «لزوم باز گرداندن آن به سپارنده‌ی امانت». قید دوم و سوم به‌خوبی از آیات قرآن برداشت می‌شود؛ زیرا مفهوم «رعایت کردن امانت» (مومنون/۸ و معارج/۳۲) به‌خوبی محافظت از آن را نیز نشان می‌دهد. از طرف دیگر خداوند در سوره‌ی نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». (نساء/۵۸) در این آیه «الْأَمَانَاتِ» اسم جمعی است که همراه با «ال» به‌کار رفته و عمومیت را می‌رساند. (مظفر، ۱۳۸۰: ۱۲۳/۱) بر همین اساس هر امانتی از جمله امانت مورد اشاره در سوره‌ی احزاب باید به صاحب اصلی آن برگردانده شود. همین نکته نشان می‌دهد که انسان در هر صورتی صاحب و مالک این امانت نیست.

به نظر می‌رسد برخی محققان فقط با تکیه بر همین تعریف و قیدهای مورد اشاره در آن مثل «ملک غیر بودن امانت» و «لزوم ادای آن»، مصادیقی را برای آن مشخص کرده‌اند؛ از این‌رو آگاهانه یا ناخودآگاه به هیچ سیاقی توجه یا استناد نکرده‌اند. عبارتهای ذیل به‌خوبی این ادعا را ثابت می‌کند: «اولین مخلوق از انسان فرج بود، خداوند فرمود: این امانتی است که پیش تو قرار می‌دهم، بنابراین فرج، گوش، چشم، دست و پا امانت هستند و کسی که امانت‌دار نباشد، ایمان ندارد» (ثعلبی‌نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۶۸/۸)، «این [امانت] امانتی است که مردم یکدیگر را بر آن امین می‌شمرند» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۴۸۷/۳) و «در این موضع همه‌ی معانی امانت مراد است؛ زیرا آیه به بعضی از امانات تخصیص نخورده است». (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۱/۲۲) روشن است که در تعیین این مصادیق به‌هیچ سیاقی توجه نشده است؛ زیرا:

اولاً: سیاق خود «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» حاکی از آن است که این امانت باید چیز عظیمی باشد که آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از پذیرش آن سرباز زدند (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴ق: ۱۳/۱۷۳-۱۷۴)؛ گویا ذکر «کوه‌ها» از بین غیر عقلا در این آیه مثالی برای بیان سفت‌ترین و محکم‌ترین اشیاء است. (صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۵/۲۴) بر همین اساس آیه حاکی از آن است که این امانت به‌خاطر عظمت خود به‌گونه‌ای است که اگر بر این اجرام بزرگ عرضه شود، از پذیرش آن می‌ترسند. با این وجود به نظر می‌رسد بر اساس این دیدگاه تفاوتی بین آیه‌ی امانت و آیه‌ی «وَأَنان [مومنان] که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند» (مومنون/۸) از جهت مصداق امانت نیست. از طرف دیگر سیاق و فضای کلی آیه بر پذیرش این امانت توسط انسان به‌صورت ویژه تأکید دارد. این در حالی است که این مصادیق نمی‌توانند این تأکید ویژه را منعکس کنند؛ از این‌رو اگر آیه به صورت «... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ وَ الْجَانُّ» آورده می‌شد، باز هم همین مصادیق بدون هیچ اشکالی منطبق بر آیه بود.

ثانیاً: قرار گرفتن این آیه در آخر این سوره اقتضای آن را دارد که مضمون آن با آیات قبل آن ارتباط داشته باشد به‌نحوی که بتوان از این ارتباط برای کشف دقیق معنای آن و لو با کم کردن احتمالات استفاده کرد. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۳۴۴/۲۱) در قسمت بعد روشن می‌شود که در آیات قبل از آیه‌ی امانت به صورت ویژه‌ای بر اذیت نکردن پیامبر اکرم (ص) و اطاعت از خدا و پیامبر (ص) تأکید شده است، اما در تعیین این مصادیق به این نکته هیچ توجهی نشده است. به نظر می‌رسد اگر این آیه در هر قسمت دیگری از سوره‌ی احزاب یا هر سوره‌ی دیگری می‌آمد، باز هم معرفی این مصادیق اشکالی نداشت.

ثالثاً: به سیاق آیه‌ی امانت و آیه‌ی بعد از آن [«لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ...»] توجهی نشده است؛ این در حالی است که در ادامه روشن می‌شود این سیاق حاکی از آن است که امانت باید چیزی جنس دین باشد تا بتواند انسان‌ها را به سه دسته‌ی منافق، مشرک و مومن تقسیم کند؛ از این‌رو بر اساس این دیدگاه اگر سوره‌ی احزاب با آیه‌ی امانت به پایان می‌رسید و آیه‌ی بعد از آن وجود نداشت، باز هم همین موارد مصداق امانت بودند.

رابعاً: سیاق و فضای کلی سوره‌ی احزاب به هیچ‌وجه مد نظر قرار گرفته نشده است؛ بر همین اساس این آیه اگر در هر سوره‌ی دیگر قرار داده شود، تغییری در این مصادیق پیدا نمی‌شود. البته ممکن است در دفاع از این عدم توجه به سیاق کلی سوره‌ی احزاب گفته شود که مضامین متفاوت سوره‌ی احزاب حاکی از آن است که قسمت‌های مختلف آن در زمان‌های متفاوت نازل شده است؛ زیرا حداقل ده سبب نزول برای آیات آن ذکر شده است (واحدی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۴-۳۷۷) و این نشان می‌دهد که تعدادی از آیات به‌دنبال حادثه‌ی خاصی نازل شده‌اند. به عنوان مثال سبب نزول آیات ۱-۳ درخواست مشرکان مکه از جمله

ابوسفیان، عکرمه و ابو اعرور بعد از جنگ احد است که همراه با جمعی از منافقان از جمله عبدالله بن ابی نزد پیامبر(ص) آمدند و از آن حضرت خواستند که نام خدایان آنان مثل لات، عزری و منات را به بدی یاد نکند و برای آن‌ها شفاعت قائل شود تا آنان نیز کاری به آن حضرت و پروردگارش نداشته باشند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۲۵/۸) هم‌چنین سبب نزول آیه‌ی ۳۵ سخنی از اسماء بنت عمیس نقل شده است که «زنان در خیبت و خسارت هستند؛ چون خداوند آنان را همانند مردان به خوبی ذکر نکرده است». این سخن از وی هنگام بازگشت جعفر ابن‌ابی‌طالب(ع) از حبشه، پس از جنگ خیبر نقل شده است. (سبحانی، بی‌تا: ۶۶۱/۲) آیه‌ی ۳۶ هم به دنبال خواستگاری پیامبر اکرم(ص) از زینب بنت حشش برای زید (پسر خوانده‌ی آن حضرت) و مخالفت شدید زینب و برادرش نازل شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۳/۸) آیات ۳۷ و ۳۸ نیز مربوط به ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت حشش است که در سال پنجم هجرت به وقوع پیوست (طبرسی، ۱۹۶۷م: ۵۶۲/۲-۵۶۴) و در نتیجه فاصله نزول آیه‌ی ۳۶ و دو آیه بعد مدت زمانی است که زید با زینب زندگی کرده است. هم‌چنین این مطالب نشان می‌دهند نزول آیه‌ی ۳۵ (سال هفتم هجری) بعد از آیات ۳۷ و ۳۸ (سال پنجم هجری) بوده است، در حالی که در قرآن کریم قبل از این دو ثبت شده است. آیات ۹-۲۵ مربوط به جنگ خندق و آیات ۲۶ و ۲۷ هم مربوط به داستان یهودیان بنی‌قریظه است که هر دو در سال پنجم هجری اتفاق افتاده‌اند. (سبحانی، بی‌تا: ۵۳۲/۲-۵۶۶) از این‌رو با وجود این پراکندگی در نزول سوره‌ی احزاب نمی‌توان برای آن سیاق واحدی قائل شد. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۳۱) در جواب این دفاع باید گفت:

اولاً: اطلاعات تاریخی به‌خاطر ضعف سند ارزش‌چندانی در تفسیر قرآن ندارد. ضمن اینکه همین اطلاعات نشان می‌دهد بیشتر حوادث این سوره در سال پنجم هجری رخ داده است؛ از این‌رو بعید نیست که غالب آن در همین سال نازل شده باشد و آیات حوادث خارج از این سال به این سوره ملحق شده باشند. در این صورت خللی به اصل سیاق سوره وارد نمی‌شود؛ زیرا «سیاق به‌حسب طبیعت اولی آیات محفوظ است؛... مگر خلاف آن با دلیل ثابت شود که آن هم جز در موارد اندکی ثابت نیست». (معرفت، ۱۳۰۹ق: ۱/۲۸۰) در مورد این سوره هم در ادامه ثابت می‌شود که پیوستگی و انسجام کاملی دارد؛

ثانیاً: بر فرض صحت همه‌ی این اطلاعات تاریخی، در مورد چینش آیات سوره‌ی احزاب دو احتمال وجود دارد: الف: چینش موجود توقیفی و به‌دستور و با نظارت پیامبر اکرم(ص) بوده؛ ب: این چینش با اجتهاد صحابه و اعمال سلیقه‌ی آنان بوده است. اگر این چینش توقیفی باشد، این احتمال وجود دارد که نظم و ترتیب فعلی آیات سوره‌ی احزاب مطابق با نظم قرآن مکتوب در لوح محفوظ باشد، اما ابلاغ و تلاوت آن بر مردم به تدریج در پی نزول تدریجی و بر اساس مناسبت‌ها و موقعیت‌های پیش‌آمده بوده است. این احتمال اگرچه دلیل محکمی برای اثبات آن وجود ندارد، اما از جهت ثبوتی قابل توجه است (بابایی و دیگران، ۱۳۸۷/۱۳۵) و ممکن است واقعاً مراد جدی خداوند با توجه به همین احتمال کشف شود. اگر این چینش اجتهادی باشد، دو سوال جدی مطرح می‌شود؛ اول اینکه: چون قسمتی از معانی آیات توسط سیاق منتقل می‌شود، آیا این چینش منجر به تحریف قرآن می‌شود؟ به نظر می‌رسد به‌راحتی نمی‌توان به این سوال جواب منفی داد؛ چون در بسیاری موارد سیاق معنای آیات را تغییر می‌دهد (نک: دخان: ۴۱-۵۰) و اگر این سوال به‌صورت جدی دنبال شود شاید هیچ سیاقی به جز موارد نادر قابل اعتنا نباشد؛ چون هر سیاقی ممکن است در اثر چینش صحابه باشد. سوال دوم اینکه آیا صحابه بدون منطق آیات قرآن را در کنار هم قرار می‌دادند یا بر اساس فهم خود تناسبی بین آیات برداشت می‌کردند و آن‌ها را به صورت یک سوره تنظیم می‌کردند؟ بر همین اساس این احتمال وجود دارد که صحابه با توجه به فهم و برداشت خود به‌خاطر تناسب بین آیه‌ی امانت و سایر آیات سوره‌ی احزاب، آن را در انتهای سوره قرار داده باشند. این فهم و برداشت اگرچه بر اساس دیدگاه شیعی فی‌نفسه حجت و قابل استناد نیست، اما به‌خاطر نزدیک بودن به زمان نزول قرآن می‌تواند راهنمای مناسبی برای نزدیک شدن به مراد خداوند باشد. بنابراین در صورت توقیفی یا اجتهادی بودن چینش آیات سوره‌ی احزاب این احتمال وجود دارد که آیه‌ی امانت به‌خاطر تناسب با بقیه‌ی آیات در انتهای سوره قرار داده شده باشد. این احتمال اگرچه به‌خاطر فقدان شواهد کافی قابل اثبات نیست، اما قابل رد هم نیست؛ بر همین اساس نمی‌توان به‌راحتی آن را کنار گذاشت. از این‌رو در تفسیر آیه‌ی امانت شایسته بلکه بایسته است این احتمال مطرح و با شواهد دیگر سنجیده شود. در ادامه ثابت می‌شود که در نظر گرفتن سیاق سوره‌ی احزاب این احتمال را مطرح می‌کند که ممکن است مصداق امانت «وجود پیامبر اکرم(ص)» یا «رهبری آن حضرت» باشد؛ این احتمال علاوه بر داشتن مقتضی، مبتلا به مانع هم نیست. اگر سیاق سوره‌ی احزاب حتی برای مطرح کردن این احتمال هم پذیرفته نشود، سیاق آیات

قبل از آیهی امانت هم دلالتی مثل کل سوره دارند؛ از این رو با اتکای به آن می‌توان این احتمال را به صورت جدی مطرح کرد. با توجه به این توضیحات به نظر می‌رسد اگرچه توجه داشتن به معنا و ماهیت امانت در تعیین مصداق آن لازم و ضروری است، اما به طور قطع کافی نیست؛ زیرا قسمتی از مفاهیم توسط سیاق منتقل می‌شود، به خصوص در مورد این آیه که حداقل چهار سیاق می‌تواند در این انتقال موثر باشند. از این رو این دیدگاه با توجه به سیاق آیات قابل دفاع نیست.

۱-۱-۲. تمرکز بر قابلیت‌های تکاملی انسان

در قسمت قبل اشاره شد که آیهی امانت به صورت ویژه‌ای بر انسان به عنوان حامل امانت تأکید دارد به گونه‌ای که هیچ موجود دیگری در پذیرش آن با او شریک نیست. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۳/۱۳-۱۷۴) به عبارت دیگر فضا و سیاق کلی این آیه جایی برای شریک شدن هیچ موجود دیگری با انسان در پذیرفتن امانت باقی نمی‌گذارد. بر همین اساس به نظر می‌رسد برخی محققان برای تعیین مصداق امانت علاوه بر تعریف آن، فقط بر قابلیت‌های انسان (سیاق آیهی امانت) تکیه کرده و به سیاق دیگری استناد نکرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۷: ۴۰۱/۸). «خلافت و نیابت» (ابن عربی، بی‌تا: ۱۸۵/۴)، «روح و روان انسانی» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۴/۱۳)، «عقل و اختیار» (نسفی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۲)، «عقل، تفکر و استعداد تکلیف» (قرشی، ۱۳۷۱: ۸۲/۲)، «ویژگی تکامل اختیاری» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) و «وجود خاص آدمی و قابلیت او برای سیر در مراتب گوناگون هستی» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۶۱) نمونه‌ای از مصادیقی است که با تکیه بر قابلیت‌های انسان معرفی شده‌اند. در بررسی این مصادیق به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

اول: برخی از این مصادیق مثل «عقل»، «اختیار»، «استعداد تکلیف» و «ویژگی تکاملی اختیاری» با سیاق خود آیهی امانت ناسازگارند؛ زیرا فرشتگان و اجنه نیز در این موارد با انسان مشترک هستند، (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۱۵۹) در حالی که فضا و سیاق کلی آیه انسان را به عنوان تنها حامل امانت معرفی می‌کند.

دوم: برخی از این مصادیق مثل «روح و روان انسانی» با سیاق خود آیهی امانت هماهنگ است؛ زیرا روح و روان انسانی چیزی مختص به خود انسان است، نه موجودات دیگر. همچنین با سیاق این آیه و آیهی بعد [لِيُعَذِّبَ اللَّهُ... «] نیز قابلیت هماهنگی دارد؛ زیرا از نظر صاحب این دیدگاه آیهی «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ...» برای بیان غایت و نتیجهی پذیرش روح است؛ چون انسان خواه ناخواه خود را معرض تکلیفی قرار داد که رعایت و ادای حقوق آن دشوار است. دلیل این دشواری آن است که طبع انسان تمایل دارد بر طبق خواسته‌های خود رفتار کند، خودستایی را شیوهی زندگی و نفاق و خودپرستی را شعار خود قرار دهد. بدیهی است که لازمه‌ی این رفتارها مبارزه با دعوت رسولان خواهد بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۰/۱۳) با این وجود دو نقطه‌ی مبهم هم وجود دارد: اول اینکه آیا هر چیز مختص به انسان، می‌تواند مصداق امانت در این آیه باشد؟ یا زمانی می‌توان آن را مصداق حقیقی معرفی کرد که با بافت، سیاق و فضای بقیه‌ی آیات هم هماهنگ باشد. این در حالی است که در این مورد هیچ توجهی به سیاق آیات قبل نشده است و اگر واقعاً چنین سیاقی وجود ندارد باید دلیل آن به طور واضح بیان شود. نقطه‌ی دوم آن است که در ادامه روشن می‌شود امانت اولاً و بالذات باید چیزی از جنس دین باشد تا با توجه به کیفیت حمل آن سه گروه منافقان، مشرکان و مومنان مشخص شوند، اما روح و روان اولاً و بالذات چنین خصوصیتی را ندارد.

سوم: در تعیین این مصادیق به سیاق آیات قبل و کل سوره‌ی احزاب توجهی نشده است؛ از این رو اگر آیهی امانت در هر جای دیگر سوره‌ی احزاب یا در سوره‌ی دیگر قرار داشت، ظاهراً هیچ تفاوتی در این مصادیق پیدا نمی‌شد. بنابراین اگرچه توجه به سیاق خود آیهی امانت در کنار تعریف آن جزء نقاط مثبت این مصادیق است، اما عدم توجه به سیاق آیات قبل و سیاق سوره‌ی احزاب حداقل این مصادیق را با یک چالش اساسی مواجه می‌کند و آن اینکه همه‌ی احتمالات رقیب [دقت شود: احتمالات] مورد بررسی قرار نگرفته‌اند؛ این در حالی است که یک دیدگاه کامل باید همه‌ی احتمالات رقیب را با استدلال‌های کافی از بین ببرد.

۱-۱-۳. تمرکز بر ایجاد رابطه بین آیهی امانت و آیه یا آیات قبل از آن

عده‌ای از محققان برای تعیین مصداق امانت علاوه بر توجه به تعریف امانت، به آیات قبل نیز استناد کرده‌اند. این گروه از

محققان را به دو دسته‌ی کلی می‌توان تقسیم کرد:

اول: عده‌ای فقط به آیه‌ی قبل استناد کرده‌اند. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (احزاب/۷۱) عبارت ذیل به‌خوبی تکیه بر تعریف امانت و آیه‌ی قبل را منعکس می‌کند: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ هِيَ الطَّاعَةُ الْمَعْلُوقُ بِهَا الْفَوْزُ، فَإِنَّهَا وَاجِبَةٌ الْأَدَاءُ كَالْأَمَانَةِ» (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۲۹/۳؛ همچنین: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۵۶۴/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۴۰/۴) دوم: بعضی دیگر به چند آیه‌ی قبل استناد کرده‌اند: «زمانی که خداوند مومنان را به ترک اذیت، پروای از خداوند و سخن محکم راهنمایی و بر اطاعت فوز بزرگ را مترتب کرد، اظهار داشت آنچه انسان پذیرفت امر بزرگی است، سپس فرمود: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۵۰۸/۸-۵۰۹) «اطاعت از خداوند و پیامبر اکرم(ص)»، «اوامر، نواهی الهی، احکام و واجبات الهی» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۴/۸)، «دین، فرائض و حدود» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۰/۲۲) و «ایمان» (حسینی‌شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۳۶۴/۴) مصداقی هستند که با تمرکز بر سیاق آیات قبل از آیه‌ی امانت استخراج شده‌اند.

بدون شک توجه به این سیاق یکی از نقاط مثبت این دسته از مصداق است. هم‌چنین این مصداق به‌طور کامل هماهنگ با سیاق آیه‌ی امانت و آیه‌ی بعد از آن است؛ زیرا این مصداق از جنس دین هستند و با توجه به کیفیت حمل آن واقعاً سه گروه منافق، مشرک و مومن پدید می‌آید، اما اشکال اساسی در این زمینه عدم توجه به سیاق خود آیه‌ی امانت است. پیش‌تر توضیح داده شد که این سیاق حاکی از آن است که کسی در حمل امانت با انسان شریک نیست؛ این در حالی است که در همه‌ی این مصداق اجنه با انسان شریک هستند؛ زیرا بر اساس آیات قرآن گروهی از اجنه در برخورد با قرآن به آن ایمان آوردند و اذعان کردند که به پروردگار خود ایمان دارند (جن/۱-۲). هم‌چنین در تعیین هیچ کدام از این مصداق استنادی به سیاق و فضای کلی سوره‌ی احزاب نشده است.

۱-۴. تمرکز بر ایجاد رابطه بین آیه‌ی امانت و آیه‌ی بعد از آن

خداوند در سوره‌ی احزاب بلافاصله بعد از آیه‌ی امانت می‌فرماید: «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب/۷۳) از نظر مفسران لام در «لِيُعَذِّبَ» یا برای بیان غایت (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۵۱۱/۸) یا برای تعلیل است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۵۶۵/۳). بر اساس هر دو احتمال نکته‌ی مسلم آن است که این امانت می‌تواند انسان‌ها را به سه دسته منافق، مشرک و مومن تقسیم کند و این زمانی اتفاق می‌افتد که امانت چیزی از جنس دین باشد؛ زیرا در ادبیات قرآن کریم افراد یا دین را می‌پذیرند (مومنان) یا نمی‌پذیرند؛ این افراد نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای به صورت آشکارا با دین مبارزه می‌کنند (مشرکان) و عده‌ای هم در ظاهر دین را می‌پذیرند، اما در باطن به آن اعتقادی ندارند (منافقان). برخی مفسران برای تعیین مصداق امانت شش احتمال پیرامون دین حق مطرح و ضمن ضعیف شمردن پنج احتمال، احتمال ششم را به‌عنوان مصداق صحیح امانت معرفی می‌کند. این احتمالات عبارتند از: «اعتقاد حق و شهادت بر توحید خداوند»؛ «مجموع عقاید و اعمال»؛ «پذیرا شدن عمل به دین حق به‌صورت تفصیلی»؛ «کمال انسان به‌وسیله‌ی پذیرش توحید»؛ «کمال حاصل به‌خاطر پذیرش دین حق و علم به آن» و «کمال حاصل از جهت پذیرش اعتقاد حق و انجام عمل صالح و طی کردن راه کمال»؛ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۴۸-۳۴۹) فارغ از نحوه‌ی ابطال احتمالات ضعیف، نگاهی به این احتمالات نشان می‌دهد در همه‌ی آن‌ها کلیت دین حق مد نظر بوده و به‌هیچ‌وجه به جزئی از دین توجهی نشده است. حال این سوال مطرح می‌شود که اگر ویژگی این امانت تقسیم‌حامل آن به سه دسته منافق، مشرک و مومن تقسیم است، آیا لازم است همه‌ی دین را در نظر گرفت؟ آیا امکان ندارد جزئی از دین رسالت جداسازی منافقان، مشرکان و مومنان را انجام دهد؟ به‌عبارت دیگر بدون شک دین حق این رسالت را به‌خوبی انجام می‌دهد، اما آیا در این آیه هم همین معنا مراد است؟ به‌عنوان مثال چه اشکالی دارد مراد از امانت در این آیه، «رهبری پیامبر اکرم(ص)» باشد؛ زیرا در ادامه روشن می‌شود که این احتمال هم شایستگی امانت بودن را دارد، هم آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها به‌خاطر عدم استعداد توانایی پذیرش این رهبری را ندارند و هم به‌خوبی افراد در برابر این رهبری به سه دسته منافق، مشرک و مومن تقسیم می‌شوند. به هر حال توجه به ارتباط بین دو آیه‌ی آخر سوره‌ی احزاب یکی از نقاط مثبت این تحلیل است، اما با این حال هیچ

اشاره‌ای به سیاق کل سوره‌ی احزاب و سیاق آیات قبل نمی‌شود. این در حالی است که در این تفسیر در بسیاری از استدلال‌ها نه تنها به سیاق آیات بلکه به سیاق سوره هم استناد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۳۳/۶؛ ۱۱/۳۳۰؛ ۱۲/۱۲).

۱-۱-۵. تمرکز بر ابتدا و انتهای سوره‌ی احزاب

از نظر برخی مفسران بین شروع و انتهای این سوره ارتباط کامل و محکمی برقرار است به گونه‌ای که یکی را در دیگری همانند دیده شدن یک شی در آینه می‌توان دید. ابتدای این سوره با آیه‌ی «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنافِقِينَ» (احزاب/۱) شروع می‌شود و در انتها با آیه‌ی «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ...» به پایان می‌رسد. برحذر داشتن پیامبر از منافقان و کافران در جهت حراست از شخصیت پیامبر(ص) و پیروان آن حضرت است. کمی بعد از شروع سوره خداوند می‌فرماید: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/۴) هم‌چنین کمی از قبل از انتهای این سوره این آیه آمده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» آیه‌ی «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» حاکی از آن است که همان‌گونه که وجود دو قلب در درون انسان امکان ندارد و هر کدام از آن‌ها دیگری را باطل می‌کند، همین‌گونه هم دو چیز نقیض هم در قلب جمع نمی‌شود؛ بنابر این در قلب انسان ایمان و کفر قابل جمع شدن نیستند و در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» اشاره به این نکته هست که امانت چیزی است که قلب آن را حمل می‌کند و همان‌گونه که قلب تنها حاکم بر جسم است، هم‌چنین «امانت» تنها حاکم قلب خواهد بود. بر همین اساس می‌توان فهمید که امانت همان تکالیف شرعی هستند که خداوند انسان را بر آن‌ها امین شمرده و از وی خواسته است که آن‌ها را به صورت مقبول ادا کند. عقل هم مناط تکلیف است؛ از این‌رو عقل دریافت‌کننده‌ی این امانت است. (خطیب، بی‌تا: ۷۶۱/۱۱-۷۶۲)

توجه به صدر و ذیل سوره‌ی احزاب با این نگاه، دیدگاه منحصر به فردی در میان مفسران است، اما با این حال چند نقطه‌ی مبهم وجود دارد: اول: چرا آیه‌ی متناظر با آیه‌ی امانت آیه‌ی چهارم این سوره در نظر گرفته می‌شود، این در حالی است که اگر آیه‌ی دوم متناظر گرفته شود (وَ اتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِيَّاكَ مِنْ رَبِّكَ) دقیقاً می‌توان همین تکالیف شرعی را نتیجه گرفت؛ زیرا وحی الهی برای انسان تکالیف شرعی را هم در بر دارد. نقطه‌ی مبهم دوم اینکه آیا واقعاً این نوع تناظر حجت است و می‌توان از آن در جهت تفسیر قرآن استفاده کرد؟ اگر واقعاً می‌توان استفاده کرد، چرا از کل سیاق سوره در مصداق‌شناسی این آیه استفاده نشده است؟ نقطه مبهم دیگر اینکه این دیدگاه (همانند دیدگاه تمرکز بر ایجاد رابطه با آیات قبل) به سیاق خود آیه‌ی امانت و منحصر بودن حامل در انسان توجه نکرده است.

۱-۱-۶. تمرکز بر روایات اسلامی مطرح در این زمینه

در روایات اسلامی مصادیقی برای «امانت» مشخص شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «هابیل و سپردن ایشان به قابیل توسط حضرت آدم(ع) در هنگام رفتن به طواف خانه‌ی خدا و کشته شدن هابیل» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۱/۲۲)، «نماز» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق: ۳۳۴/۱) «ولایت اهل‌بیت(ع) و ذریه‌ی پیامبر(ص)» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۱۰)، «امامت» (قمی، ۱۳۶۷: ۱۹۸/۲) «سرّ توحید»، «اسرار الهی» و «نور محمدی» (علاءالدوله سمنانی، ۱۳۶۲: ۳۵۴/۱) و «ولایت حضرت علی(ع)». (کلینی، ۴۱۳/۱) به نظر می‌رسد مورد اول با سیاق خود آیه‌ی امانت سازگار نیست؛ زیرا بسیار بعید است که آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها توانایی نگه‌داری از هابیل را نداشته باشند. مورد دوم (نماز) هم همین‌گونه است؛ زیرا به تصریح برخی از روایات برخی از ملائکه همیشه در حال نمازند (سیدرضی، خ ۱) و این با منحصر بودن حامل امانت در انسان ناسازگار است. موارد دیگر هم به نظر می‌رسد از باب «معنای باطنی» یا «جری و تطبیق» باشد؛ زیرا در ظاهر قرآن کریم مطلبی دال بر این مصادیق وجود ندارد. البته در انتهای همین نوشتار ثابت می‌شود به‌راحتی می‌توان با در نظر گرفتن سیاق سوره‌ی احزاب به مصداقی دست پیدا کرد که به مدلول این روایات هم ملتزم بود.

۱-۲. نتایج رویکرد عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب

در قسمت قبل توضیح داده شد که همه تفاسیر و تحقیقات به سیاق کلی آیات سوره‌ی احزاب برای تعیین مصداق امانت هیچ

توجهی نکرده‌اند؛ از این رو گویا اگر آیه‌ی امانت در انتهای هر سوره‌ی دیگر قرار داشت، در مصادیق مطرح شده هیچ تغییری رخ نمی‌داد. بدیهی است که عدم توجه به این نکته باعث کاهش ارزش دیدگاه‌های ارائه شده می‌شود؛ زیرا دیدگاهی به‌طور کامل قابل دفاع است که همه احتمالات یا موانع احتمالی را به طریقی دفع کند. برای توضیح بیشتر نقش احتمالی سیاق در تعیین مصداق امانت می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر این آیه‌ی امانت در انتهای سوره‌ی اعراف قرار داشتند، [به‌عنوان مثال] پذیرش «ولایت الهی» به عنوان مصداق «امانت» با مشکل خاصی مواجه نبود؛ زیرا مقصود و غرض سوره‌ی اعراف هشدار به جامعه‌ی نوپای مومنان و انذار عمومی در تبعیت از آیات نازل شده و پیروی نکردن از ولایت غیر خداوند است. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸۳) برخی دیگر از مفسران در مورد غرض سوره‌ی اعراف بر این باورند که گویا خداوند [در این سوره] عهدی را که از انسان‌ها گرفته که او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، مبنای کلام قرار داده و آن‌گاه از سیر تاریخی این عهد بر حسب مسیر انسانیت در امت‌های گذشته بحث کرده است؛ زیرا اکثر آنان این عهد را شکسته و آن را از یاد بردند، در نتیجه وقتی پیامبری در بین آنان مبعوث می‌شد و نشانه‌هایی را برای یادآوری آن عهد می‌آورد، او را تکذیب می‌کردند و جز عده‌ی کمی متذکر نمی‌شدند. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۶/۸)

بررسی محتوای کل این سوره نیز نشان می‌دهد بسیاری از اقوام گذشته به‌خاطر حرکت در خلاف جهت پذیرش ولایت الهی، عاقبت خوبی پیدا نکردند؛ از این رو خداوند با بیانی انذارگونه و نگاهی آسیب‌شناسانه مومنان را از تبعیت ولایت غیر خدا بر حذر می‌دارد. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۵) بر همین اساس اگر در انتهای این سوره خداوند می‌فرمود: «ما امانتی را بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه کردیم...» شکی باقی نمی‌ماند که این امانت چیزی جز «ولایت خداوند» یا «عهد الهی» نیست؛ چون سیاق سوره‌ی اعراف به راحتی چنین چیزی را القاء می‌کرد. اما در حال حاضر آیه‌ی امانت در انتهای سوره‌ی احزاب قرار گرفته است، سوره‌ای که در ادامه ثابت می‌شود محوری‌ترین مباحث آن تثبیت جایگاه رهبری پیامبر اکرم (ص) در میان امت اسلامی است؛ از این رو شایسته بلکه بایسته است که «رهبری پیامبر اسلام (ص)» حداقل به عنوان یک احتمال برای مصداق امانت حتی در صورت محرز نبودن سیاق کلی سوره مطرح شود.

۲. بررسی رویکرد تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب در مصداق‌شناسی «امانت»

در برابر رویکرد عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب در مصداق‌شناسی «امانت» می‌توان رویکرد تأثیر این سیاق را در نظر گرفت. برای روشن شدن ابعاد این رویکرد در ادامه دلایل و آثار التزام به آن بررسی می‌شود.

۲-۱. دلایل رویکرد تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب

در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...»، «الْأَمَانَةَ» همراه با «ال» به کار رفته است. یکی از مهم‌ترین نکته‌های مرتبط با تعیین مصداق این واژه مشخص شدن نوع «ال» به کار رفته همراه آن است؛ زیرا در زبان عربی قسمتی از معنا توسط این واژه‌ها منتقل می‌شود. در زبان عربی سه نوع «ال» وجود دارد: «ال» موصول که بر سر اسم فاعل و مفعول در می‌آید، «ال» تعریف و «ال» زائده که بر سر اسماء معرفه وارد می‌شود. بدون شک این «ال» موصول یا زائده نیست؛ زیرا «أَمَانَةَ» نه اسم فاعل و مفعول است و نه معرفه (ابن هشام، بی‌تا: ۴۹/۱-۵۱)؛ از این رو به‌صورت طبیعی باید تعریف باشد. «ال» تعریف هم به دو نوع «جنس» و «عهد» تقسیم می‌شود (همان). جنس بودن «ال» در این آیه بسیار بعید است؛ زیرا در این آیه خداوند شأن این امانت را [به‌گونه‌ای] بزرگ نشان داده است (طوسی، بی‌تا: ۳۶۷/۸) که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از پذیرش آن سر باز زدند؛ از این رو باید مراد از آن، امانت خاصی باشد (حسینی‌تهرانی، ۱۴۲۳ق: ۲۳۲/۹) بنابراین «ال» در آیه برای عهد خواهد بود. «ال» عهد هم به سه نوع حضوری، ذهنی و ذکری تقسیم می‌شود. (ابن هشام، بی‌تا: ۵۰/۱) اختلاف شدید محققان درباره‌ی مصداق امانت حاکی از آن است که این «ال» نمی‌تواند حضوری یا ذهنی باشد؛ زیرا اگر حضوری یا ذهنی بود این قدر اختلاف در بین آنان پدید نمی‌آمد. اگر هم این «ال» در عالم واقع حضوری یا ذهنی باشد، در حال حاضر دلیلی برای اثبات آن وجود ندارد. بر این اساس این «ال» باید عهد ذکری باشد؛ یعنی باید در قسمتی از سوره‌ی احزاب به صورت صریح یا ضمنی به این امانت اشاره‌ای شده باشد؛ از این رو لازم است کل سوره یا آیات نزدیک به این واژه با دقت بررسی شوند.

در بررسی کل سوره می‌توان به این نکته اشاره کرد که مقصود سوره‌ی احزاب محکم‌سازی پایه‌های رهبری پیامبر اکرم (ص) در جامعه‌ی اسلامی است. در این سوره شرط رهبری شایسته‌ای را بیان می‌کند که مؤمنان مأمور به اطاعت او هستند. بر اساس آیات این سوره او کسی است که بر عهد و میثاق خود با خدا استوار است، فقط از او پروا دارد، مطیع کافران و منافقان نیست، تابع وحی الهی است و بر خدا توکل می‌کند. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴: ۴۰۶) نگاهی به محتوای این سوره هم نشان می‌دهد که محوری‌ترین موضوع سوره، رهبری و ولایت پیامبر (ص) است. برای روشن شدن این مطلب اشاره‌ای کوتاه به مطالب مطرح شده در این سوره ضروری به نظر می‌رسد: «اطاعت نکردن پیامبر (ص) از کفار و منافقان، پیروی آن حضرت از وحی الهی و توکل بر خداوند» (احزاب/۱-۳)؛ «ولایت پیامبر (ص) در همه‌ی شئون زندگی بر مومنان» و «ام‌المومنین بودن همسران آن حضرت» (احزاب/۶)؛ «گرفته شدن میثاق از پیامبر (ص) در کنار سایر انبیاء برای آشکار شدن صادقان و عذاب کافران» (احزاب/۷-۸)؛ «اسوه بودن پیامبر (ص) برای مومنان» (احزاب/۲۱)؛ «موضع منافقان مومنان در برابر وعده‌های خداوند و پیامبر (ص)» (احزاب/۱۰-۲۳)؛ «سامان‌دهی رفتار همسران پیامبر (ص) در زندگی» (احزاب/۲۸-۳۴)؛ «عدم جواز مخالفت با اوامر پیامبر (ص)» (احزاب/۳۶)؛ «ازدواج پیامبر (ص) با همسر پسرخوانده‌ی خود» (احزاب/۳۷-۳۹)؛ معرفی پیامبر (ص) به‌عنوان رسول‌الله و خاتم‌النبین» (احزاب/۴۰)؛ ارسال پیامبر (ص) به عنوان شاهد، مبشر، نذیر و دعوت‌کننده‌ی به‌سوی خداوند» (احزاب/۴۵-۴۶)؛ «عدم اطاعت پیامبر (ص) از کفار و منافقان و بی‌توجهی به آزار و اذیت آنان» (احزاب/۴۸)؛ «احکامی درباره‌ی ازدواج‌های پیامبر (ص)» (احزاب/۵۰-۵۲)؛ «لزوم اجازه گرفتن برای ورود به خانه‌های پیامبر (ص) و عدم جواز ازدواج با زنان پیامبر (ص) بعد از آن حضرت» (احزاب/۵۳)؛ «درود فرستادن خداوند و ملائکه بر پیامبر (ص)» (احزاب/۵۶)؛ «سرگذشت آزاردهندگان پیامبر (ص)» (احزاب/۵۷)؛ «مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ دستور حجاب به زنان مومن» (احزاب/۵۹)؛ «سرنوشت منافقان و بیماردلان در صورت اقدام عملی پیامبر (ص) بر ضد آنان» (احزاب/۶۰-۶۲)؛ «سرنوشت کافران در آخرت و آرزوی آنان مبنی بر اطاعت از خدا و پیامبر (ص)» (احزاب/۶۳-۶۷)؛ «نهی مومنان از آزار پیامبر (ص)» (احزاب/۶۹) و «دستور به اطاعت از خدا و پیامبر (ص)» (احزاب/۷۱). بررسی مطالب این سوره چند نکته را روشن می‌کند:

نکته‌ی اول: برخی از این موضوعات به‌طور اختصاصی فقط در این سوره آمده‌اند، مانند «ولایت گسترده‌ی پیامبر (ص) بر شئون مومنان (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)»، «اسوه بودن پیامبر (ص) برای مومنان»، «خاتم‌النبی بودن پیامبر (ص)»، «درود فرستادن خداوند و ملائکه بر آن حضرت».

نکته‌ی دوم: سامان‌دهی امور مربوط به همسران پیامبر (ص) نیز فقط در این سوره مطرح می‌شود. بدون شک یکی از اهداف طرح این مسائل صیانت از شخصیت پیامبر (ص) است (ن. ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۷۴/۸).

نکته‌ی سوم: برای اولین بار در سیر نزول در این سوره اقدام عملی پیامبر (ص) در برابر منافقان مطرح می‌شود. در سیر نزول برای اولین بار در سوره‌ی عنکبوت (نزول: ۸۵؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴/۳۷۳) به‌صراحت از منافقان نام برده می‌شود، (عنکبوت: ۱۱) اما به‌صورت عملی تهدید نمی‌شوند. در سوره‌های بعد مثل انفال (نزول: ۸۸؛ همان: ۳۹۰) و آل‌عمران (نزول: ۸۹؛ همان: ۳۹۶) لحن برخورد خداوند با این گروه نیز به همین شکل است، (انفال، ۴۹؛ آل‌عمران، ۱۶۷) اما خداوند در سوره‌ی احزاب ضمن تکرار مرتب شیوه عمل کرد آنان (احزاب/۱، ۱۱-۲۰، ۲۴، ۴۸، ۵۹-۶۲، ۷۳)، به‌صورت عملی آنان را تهدید می‌کند و مجری عملی کردن این تهدیدات پیامبر (ص) خواهد بود (احزاب/۶۰).

نکته‌ی چهارم: آزار دادن پیامبر (ص) و اذیت شدن آن حضرت در این سوره به‌صورت پرتنگی مطرح می‌شود (احزاب/۴۸، ۵۳، ۵۷، ۶۹).

با توجه به این توضیحات جای این سوال هست که چرا باید خداوند در این سوره به این گستردگی به شخصیت پیامبر (ص) بپردازد؟ گستردگی این مطلب در حدی است که شاید بتوان سوره‌ی احزاب را از جهاتی «سوره‌ی ویژگی‌های پیامبر (ص)» قلمداد کرد. به نظر می‌رسد با دقت در این موارد شکی باقی نمی‌ماند که این سوره در صدد تثبیت جایگاه «رهبری رسول خدا (ص) در میان امت اسلامی» است. حال اگر کسی با این نگاه از ابتدا تا انتها به سوره‌ی احزاب توجه کند و به آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» برسد، به نظر می‌رسد از بین همه‌ی احتمالات و «رهبری رسول خدا (ص)»، به احتمال زیاد مورد دوم را انتخاب می‌کند؛ زیرا به‌طور کامل هماهنگ با سیاق آیات این سوره است.

در این‌جا ممکن است این اشکال مطرح شود سوره‌ی احزاب شامل معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها، مواضع، داستان جنگ خندق و یهودیان بنی‌قریظه است (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۲۷۳/۱۶) از این‌رو به‌راحتی نمی‌توان گفت این سوره در صدد تثبیت جایگاه رهبری رسول خدا(ص) است. جواب: در فرهنگ اسلامی «سوره» مجموعه‌ای از آیات قرآن است که با هم پیوند داشته (رادمنش، ۱۴۳/۱۳۷۴) و برای غرض خاصی کنار هم گردآوری شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۷۸/۱۵) بر این اساس سوال اساسی این است که غرض اصلی سوره‌ی احزاب چیست؟ خداوند از گردآوردن این آیات در کنار هم چه هدفی را دنبال می‌کرده است؟ آیا هدف فقط ذکر دسته‌ای از احکام، عبرت‌ها و قصص و غیره بوده یا با تکرار زیاد ابعاد متفاوت شخصیت پیامبر اکرم(ص) به دنبال غرضی مثل تثبیت جایگاه رهبری آن حضرت بوده و در کنار آن احکام و داستان‌هایی را نیز نقل کرده است؟ با توجه به توضیحات گذشته درباره‌ی آیات پیرامون پیامبر(ص) به نظر می‌رسد این غرض چیزی غیر از تثبیت جایگاه پیامبر(ص) نیست؛ از این‌رو به‌راحتی می‌توان سیاق کل سوره‌ی احزاب را مد نظر قرار داد و با توجه به آن «رهبری پیامبر(ص)» را به عنوان یکی از مصداق‌های احتمالی «امانت» معرفی کرد. به عبارت دیگر «ال» موجود در «أَمَانَةٌ» می‌تواند به «رهبری پیامبر اکرم(ص)» اشاره داشته باشد که در کل سوره به آن پرداخته شده است. ممکن است گفته شود که شاید این سوره دارای سیاق واحد یا غرض مشخصی نبوده، از این‌رو مفسران به این مطلب نپرداخته‌اند. در جواب این احتمال باید گفت: در این صورت شایسته بود به‌طور صریح روشن می‌شد که این سوره به دلایلی دارای سیاق واحد نیست و نمی‌توان برای آن غرض مشخصی بر اساس سیاق آن به‌دست آورد.

بررسی آیات نزدیک به آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» نیز می‌تواند «رهبری پیامبر اکرم(ص)» را به عنوان یک مصداق احتمالی برای امانت مطرح کند. به‌عنوان مثال می‌توان آیات ۶۳ تا ۷۳ را در نظر گرفت؛ زیرا دارای موضوعی واحد هستند. در ابتدای این آیات سخن از قیامت و وضعیت کفار در این روز به میان می‌آید. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۴۶/۱۶) در این آیات ضمن اشاره به لعن کفار و آماده شدن آتشی سوزاننده برای آنان (احزاب/۶۴)، حسرت‌ها، افسوس‌ها و درخواست‌های آنان مطرح می‌شود. آنان در این روز آرزو می‌کنند: «ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت کرده بودیم» (احزاب/۶۶)، علت گمراهی خود را اطاعت از سران و بزرگان خود می‌دانند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند» (احزاب/۶۷) و برای این سران و بزرگان از پروردگار خود عذاب درخواست می‌کنند: «پروردگارا! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنها را لعن بزرگی فرما» (احزاب/۶۸). تأملی کوتاه نشان می‌دهد محوری‌ترین مسأله در این آیات «اطاعت از رهبر» است. در آیه‌ی ۶۹ خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند» محور این آیه اذیت شدن حضرت موسی(ع) بوسیله‌ی گفتار است (فَبَرَأُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا). بلافاصله در آیه‌ی بعد به مومنان دستور داده می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب/۷۰). پشت سر هم قرار گرفتن این دو آیه حاکی از آن است که به‌طور قطع [حداقل] یکی از مصداق‌های سخن درست و استوار گفتن (قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا)، درست سخن گفتن درباره‌ی پیامبر اکرم(ص) است به‌گونه‌ای که باعث آزار و اذیت آن حضرت نشود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۸۴/۸). در ادامه خداوند می‌فرماید: «هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی‌تردید رستگاری بزرگی یافته است.» (احزاب/۷۱) در انتها هم عرضه‌ی امانت برآسمان‌ها، زمین و کوه‌ها مطرح می‌شود. اگر کسی به سیاق این آیات توجه کند اولین مصداقی که برای امانت به ذهنش خطور می‌کند، «رهبری پیامبر اسلام(ص)» است، حتی اگر آن را به‌عنوان مصداق قطعی معرفی نکند، بدون شک آن را به‌عنوان یک احتمال در نظر می‌گیرد.

۲-۲. نتایج رویکرد تأثیر سیاق آیات سوره احزاب

با توجه به مباحث قسمت قبل می‌توان «رهبری پیامبر اکرم(ص)» را به عنوان مصداق احتمالی امانت معرفی کرد. به نظر می‌رسد این احتمال به‌قدری قوی هست که بتوان آن را به عنوان مصداق امانت پذیرفت؛ زیرا:

۱. این احتمال با همه‌ی سیاق‌های موجود در سوره‌ی احزاب هماهنگ است؛ اولاً: با سیاق خود آیه‌ی امانت هماهنگ است؛ چون پیش‌تر روشن شد که سیاق این آیه جایی برای شریک شدن موجود دیگری در حمل امانت با انسان باقی نمی‌گذارد. «رهبری پیامبر اکرم(ص)» به‌طور کامل این ویژگی را دارد؛ زیرا پیامبر(ص) از جنس انسان‌ها و در بین آنان مبعوث شده است، نه از جنس جن یا ملائکه. این مطلب با رهبری پیامبر(ص) برای اجته منافاتی ندارد؛ چون اولاً و بالذات پیامبر(ص) برای انسان‌ها مبعوث شده‌اند؛ ثانیاً: این مصداق با سیاق آیات قبل به‌طور کامل هماهنگ است؛ ثالثاً: «وجود پیامبر اکرم(ص) و رهبری آن

حضرت» قسمت بسیار مهمی از دین حق است؛ از این رو ارتباط کامل و محکمی با امر دین حق دارد؛ از این رو ارتباط بین دو آیه‌ی آخر سوره‌ی احزاب برای تعیین مصداق امانت حفظ می‌شود؛ رابعاً: این مصداق به‌طور کامل هماهنگ با سیاق و فضای حاکم بر سوره‌ی احزاب است؛ بر خلاف سایر دیدگاه‌ها که در آن‌ها به سیاق این سوره اصلاً توجهی نشده است.

۲. «رهبری پیامبر اکرم(ص)» قابلیت امانت بودن را دارد و از طرف خداوند در اختیار مردم قرار داده شده است تا از آن محافظت کنند و در نهایت آن را به اهلش برگرداند.

۳. مراد از عرضیه امانت بر آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها، نوعی مقایسه‌ی بین آن‌ها با امانت است؛ از این رو این آیه حاکی از آن است که در این سنجش و مقایسه معلوم شد که امانت، سنگین‌تر از آسمان‌ها و زمین و کوه‌هاست و آن‌ها استعداد حمل آن را ندارند. (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۴۹/۱۶-۳۵۰) پذیرش «رهبری پیامبر اکرم(ص)» به عنوان مصداق امانت الهی به‌خوبی با این نظر هماهنگ است؛ زیرا اگر قرار است موجودی از نقطه‌ی پست مادی به اوج اخلاص ارتقاء یابد به‌گونه‌ای که خداوند او را برای خودش انتخاب کند (سلوک سبیل الکمال بالارتقاء من حضيض المادة إلى أوج الإخلاص الذی هو أن یخلصه الله لنفسه...) (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۴۸/۱۶-۳۴۹)؛ بدون شک رسالت نهایی پیامبر(ص) ایجاد همین کمال بی‌نهایت در عالم هستی است و در این صورت فقط انسان چنین استعدادی را داراست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰/۱۶۱) بدیهی است که در این صورت اسوه بودن پیامبر(ص) برای مومنان (احزاب/۲۱) به‌صورت واقعی‌تر مملوس خواهد بود.

۴. در قسمت قبل اشاره شد که تعداد زیادی از روایات، «ولایت امام علی و اهل بیت(ع)» را به عنوان مصداق امانت معرفی می‌کرد. با پذیرش «رهبری پیامبر اکرم(ص)» به عنوان مصداق امانت به‌راحتی می‌توان به مدلول این روایات از طریق راه‌های ذیل ملتزم بود: **الف:** «اتحاد ولایت رسول‌الله(ص) با ولایت اهل بیت(ع)»؛ **ب:** «طولی بودن رابطه‌ی بین این دو ولایت»؛ **ج:** «لازم و ملزوم بودن این دو ولایت»؛ **د:** «ظاهر بودن رهبری رسول‌الله(ص) و باطنی بودن ولایت امیرالمومنین(ع) در معنای آیه»؛ **هـ:** «توسعه‌ی عنوان «رهبری پیامبر اکرم(ص)» به «رهبری اولیای شایسته‌ی خداوند». با استفاده از توسعه‌ی عنوان «رهبری پیامبر اکرم(ص)» به «رهبری اولیای شایسته‌ی خداوند» و مطرح کردن آن به عنوان مصداق امانت، «ولایت و رهبری همه‌ی انبیاء و ائمه‌ی معصومان(ع)» بدون هیچ تکلفی جزء مصادیق آیه در هر زمانی خواهد شد؛ زیرا همه‌ی انبیاء مقدمه و زمینه‌ساز بعثت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ادامه‌دهنده رهبری آن حضرت هستند. از طرف دیگر با توجه به آیه‌ی «امانت‌ها باید به اهل آن‌ها بازگردانده شود» (نساء/۵۸) مردم وظیفه دارند بعد از فقدان هر کدام از این اولیای شایسته، این رهبری را به اهل آن [ولی بعد از ایشان] تحویل دهند. جلوه و ظهور این تحویل امانت بعد از رحلت رسول‌الله(ص) در نگاه شیعی بسیار قابل توجه‌تر خواهد بود.

۵. با پذیرش این مصداق سایر مصادیق مطرح شده هم از باب «مقدمه و زمینه»، «لازم و ملزوم بودن» و غیره قابل پذیرش هستند؛ بر همین اساس «عقل»، «اختیار» و «وجود خاص انسان برای سیر در مراتب هستی» به‌عنوان نقطه‌ی شروع و زمینه‌ی رهبری پیامبر(ص)، «تکلیف»، «شرع» و دستورات دینی از قبیل «نماز» یا «امانت‌های مردم» روش اعمال این رهبری، «ولایت و امامت اهل بیت(ع)» ادامه دهنده رهبری پیامبر(ص) بعد از رحلت آن حضرت و در نهایت «انسان کامل شدن» و «خلافت و نیابت از خداوند» ثمره و نهایت رهبری رسول اکرم(ص) خواهد بود.

۶. اگر به هر دلیلی استدلال‌های ارائه شده برای تعیین «رهبری پیامبر اکرم» به عنوان مصداق «امانت» پذیرفته نشد، احتمال آن به قدری قوی هست که بتواند در بین سایر احتمالات مطرح شود، زیرا علاوه بر داشتن مقتضی، مبتلا به مانعی هم نیست.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ثابت شد:

۱. برای تعیین مصداق «امانت» در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...» دو رویکرد کلی «عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب» و «رویکرد تأثیر سیاق این سوره» وجود دارد. تقریباً همه‌ی محققان به رویکرد اول توجه داشته‌اند.

۲. «رویکرد عملی عدم تأثیر سیاق آیات سوره‌ی احزاب در مصداق‌شناسی امانت» با تمرکز بر «مفهوم امانت»، «قابلیت‌های انسان»، «ایجاد رابطه با آیات قبل از آیه‌ی امانت»، «ایجاد رابطه با آیه‌ی بعد از آیه‌ی امانت»، «ایجاد رابطه بین ابتدا و انتهای سوره» و «روایات اسلامی» مصادیقی را معرفی کرده‌اند. وجه مشترک همه‌ی این مصادیق عدم توجه به سیاق کل سوره‌ی

احزاب یا برخی از سیاق‌های نزدیک به آیه‌ی امانت است.

۳. بررسی سیاق آیات سوره‌ی احزاب نشان می‌دهد محوری‌ترین موضوع این سوره، «رهبری پیامبر اکرم(ص)» است. همین مطلب در سیاق آیات نزدیک به آیه‌ی امانت نیز مشاهده می‌شود. در نظر گرفتن این دو سیاق به‌خوبی می‌تواند «رهبری پیامبر اکرم(ص)» را به‌عنوان مصداق امانت معرفی کند. پذیرش این دیدگاه آثار زیادی از قبیل «رعایت سیاق آیات سوره‌ی احزاب در تعیین مصداق»، «ملتزم شدن به روایات موجود در این زمینه»، «رعایت ارتباط بین آیه‌ی امانت و آیات قبل و بعد آن»، «پذیرش ضمنی غالب مصداق ارائه شده» و غیره را در پی دارد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌جمهور، محمد، (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه، قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۲. ابن‌جوزی، ابوالفرج، (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن‌عاشور، محمد، (بی‌تا)، التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ.
۴. ابن‌عربی، محی‌الدین، (بی‌تا)، الفتوحات المکیه، بیروت: دارصادر.
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۶. ابن‌هشام، عبدالله بن یوسف، (بی‌تا)، مغنی اللیب، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی(ره).
۷. ابوحنیفان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر.
۸. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، (۱۳۸۷ش)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
۹. بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۹۴ش)، شناخت‌نامه‌ی تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم: موسسه‌ی تمهید.
۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوارالتنزیل و أسرارالتأویل، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. ثعلبی‌نیشابوری، ابواسحاق، (۱۴۲۲ق)، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۲. حسینی‌تهرانی، محمدحسین، (۱۴۲۳ق)، معادشناسی، مشهد: نور ملکوت قرآن.
۱۳. حسینی‌شیرازی، محمد، (۱۴۲۴ق)، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
۱۴. حسینی‌همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.
۱۵. خطیب، عبدالکریم، (بی‌تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بی‌جا: بی‌نا.
۱۶. رادمنش، محمد، (۱۳۷۴ش)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین - جامی.
۱۷. راغب‌اصفهانی، حسین، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۸. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۹. سبحانی، جعفر، (بی‌تا)، فروغ ابدیت، قم: دارالتبلیغ.
۲۰. ستوده‌نیا، محمدرضا و عادل‌فر، نازیلا، (۱۳۹۴ش)، «مفهوم امانت الهی در آیه‌ی امانت با استناد به دلایل علامه طباطبایی»، پژوهش‌نامه‌ی معارف قرآنی، سال ششم، شماره‌ی ۲۰.
۲۱. سیدرضی، محمد، (۱۳۷۹ش)، نهج‌البلاغه، تحقیق و ترجمه: محمد دشتی، قم: الهادی.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۶۰ش)، اسرار الآیات، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۲۳. صادقی‌تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۴. صدوق، محمد ابن بابویه، (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۸۰ش)، المیزان فی تفسیرالقرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۲۷. طبری، محمدبن جریر، (۱۹۶۷م)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارصادر.
۲۸. ———، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.

۲۹. طوسی، محمدبن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۰. عاملی، علی بن حسین، (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۱. علاءالدوله سمنانی، احمد، (۱۳۶۲ش)، العروۃ لاهل الخلوۃ و الجلوه، تهران: مولی.
۳۲. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۳۳. — (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۳۵. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹ش)، انسان شناسی در قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۳۷. مظفر، محمدرضا، (۱۳۸۰ش)، اصول الفقه، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۸. معرفت، محمدهادی، (۱۳۰۹ق)، التمهید، قم: مهر.
۳۹. نسفی، عزیزالدین، (۱۴۰۳ق)، الانسان الكامل، تهران: بی نا.
۴۰. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، اسباب نزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۱. واعظزاده، محمد و دیگران، (۱۴۲۲ق)، المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة.

